



آینده روابط فرقه‌گرایانه در خاورمیانه

فرقه‌گرایی، به ویژه نوع سنی-شیعه آن، یکی از ویژگی‌های بارز چشم‌انداز خاورمیانه است. فرقه‌گرایی از جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن گرفته تا رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی و تا استراتژی‌های حاکم بر کشورهای کثیرالمذهب، به تحولات منطقه‌ای شکل می‌دهد.

در گزارش رند به قلم جفری مارتینی، هیترو ویلیامز و ویلیام یانگ چهار آینده بدیل برای روابط فرقه‌ای در خاورمیانه طی ده سال آینده ارائه می‌شود. تمام سناریوها بازتاب مفروضات و محرک‌های مورد بحث در بخش‌های ابتدایی گزارش است. این سناریوها به نحوی طراحی شده‌اند تا به لحاظ تحلیل متمایز باشند، به این ترتیب خواننده قادر خواهد بود که بین خط سیرهای اساسی ارائه شده تمایز قائل شود. بحث ساختارمند ما با کارشناسان خبره در این حوزه -از جمله مشارکت تحلیلگران جامعه اطلاعاتی- نقش مهمی در ترسیم این سناریوها ایفا کرده است. برخی از این سناریوها، نتایج حاصل از کارگاه دسامبر سال ۲۰۱۶ بودند. در نهایت، چهار سناریوی ارائه شده روشن‌گر خط سیرهای مختلف هستند، اما جامع و شامل نیست، چرا که سناریوهای دیگری ورای این چهار سناریو هم محتمل هستند. ما این سناریوها را به این دلیل انتخاب کرده‌ایم که نشان‌دهنده ترکیبی متنوع از محرک‌ها بوده و برخی از سناریوهای اصلی را ترسیم می‌کنند.

انتشار این مطلب توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در راستای آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان به‌عنوان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. بدیهی است محتوای این گزارش موردتایید مرکز نیست.

سناریوی ۱: ظهور محلی‌گرایی

مهمترین محرک‌ها: خودهمانی، بازیگران غیردولتی، کیفیت حکمرانی

در این سناریو، عصر اسلام‌گرایی به عنوان یکی از هویت‌های مسلط در خاورمیانه رو به افول است. حکومت‌های اسلامی در سراسر منطقه عملکرد ضعیفی داشته‌اند و تمایلات استبدادی فزاینده‌ای از خود نشان داده‌اند. متعاقب آن پدیده‌ای ظهور می‌کند که ما محلی‌گرایی می‌نامیم و طی آن جوامع خواهان مشارکت بیشتر می‌شوند. قانون اساسی جدید ترکیه قدرت رجب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه را علی‌رغم محبوبیت رو به کاهش وی و مخالفت فزاینده، بیش از پیش افزایش داده است. حماس، بعد از اینکه ماه‌ها نتوانست روزانه بیش از چند ساعت برق و آب فراهم نماید، کنترل نوار غزه را به گروهی تکنوکرات واگذار کرد که با وعده ارائه بهتر خدمات وارد عرصه شده بودند. سرخوردگی عمومی از تحولاتی که با

بهار عربی آغاز شده بود، به بالاترین حد خود رسیده است. احزاب اسلامی در سراسر منطقه، اعضا و حمایت‌های خود را از دست داده‌اند. این گروه‌ها ظاهراً نتوانسته‌اند که چارچوبی برای حکمرانی دولتی کارآمد تدوین کنند و هر روز که می‌گذرد، مردم بیشتری آنها را به خاطر قدرت گرفتن افراط‌گرایان اسلامی سرزنش می‌کنند.

محلّی‌گرایی برای پُر کردن این خلا به عنوان محرک مسلط خودهمانی ظاهر می‌شود و اساساً واکنشی است به اوج‌گرفتن راست‌کیشی مذهبی و از بین بردن تنوع و گونه‌گونی محلّی که در یک دههٔ گذشته در خاورمیانه شاهد بودیم. قدرت تهران برای ایجاد یک اردوگاه منسجم شیعی رو به افول است و اقلیت‌های شیعی در دولت‌های دیگر خود را متمایز و مستقل از رهبری ایران تلقی می‌کنند. در نواحی دارای اکثریت سنی، تصوف آرام آرام در حال بازگشت به عرصه است و نشانگر پذیرش تنوع محلّی آداب و رسوم است. تمرکز دوباره بر مسائل محلّی از اهمیت فرقه‌گرایی در برنامه‌های سیاسی محرک و بسیج مردمی می‌کاهد.

رژیم‌های بغداد و دمشق خواهان کنترل متمرکز بوده و در نتیجه با مردمی که خواهان استقلال محلّی بیشتر هستند، درگیرند. در مقابل، تهران و بیروت استقلال بیشتری به شورای محلّی و مقامات استانی محول کرده‌اند و توازن بهتری بین این فشارهای داخلی ایجاد کرده‌اند. همچنین با توجه به ابتکاراتِ صلح از پایین به بالایی که بین جوامع همسایه اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها که به دنبال توافقی عملی در مورد آب و سایر مسائل محیط‌زیستی هستند، امید تازه‌ای در چشم‌اندازها برای یک گفتگوی سازنده بین اسرائیل و فلسطینی‌ها دمیده شده است.

در چند مورد درخور توجه، شرکت‌کنندگان در انتخابات‌های محلّی، انتخابات‌های ملی را تحت الشعاع خود قرار داده‌اند؛ و در رتبه‌بندی‌های مطلوبیت، شوراها محلّی از محبوبیتی بیش از رهبران ملی برخوردار شده‌اند. بیروت مدینتی (بیروت، شهر من [۱]) [جنش‌های جایگزینی را در سایر مناطق شهری در سراسر جهان عرب به وجود آورده و نفوذ نخبگان محافظه‌کار را به چالش کشیده است. این جنش‌ها، همانند پیش‌قراول خود، بر ارائه عملی خدمات عمومی تمرکز کرده و اهمیت و برجستگی ایدئولوژی را بیش از پیش از بین برده‌اند.

محلّی‌گرایی همیشه به شیوه‌ای مثبت و سازنده نمود پیدا نمی‌کند. گاهی اوقات، مکاتب پیشین (مثل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی) با هویت‌های انحصاری یکسان جایگزین می‌شوند و برای نمونه به تأکیدی دوباره بر قبيله به منزلهٔ ساخت سازمان دهنده اجتماع منتهی می‌شود. با این حال، محلّی‌گرایی آشکارا از شدت تأثیر فرقه‌گرایی کاسته، ظرفیت بالقوه تشکیلات فرقه‌ای برای بسیج در امتداد خطوطی به گستردگی وابستگی مذهبی را از بین می‌برد.

سناریوی ۲: یک جناح مستحکم شیعی در وسط نابسامانی اهل سنت

مهمترین محرک‌ها: خودهمانی؛ بازیگران منطقه‌ای؛ بازیگران فرامنطقه‌ای

در این سناریو، جناح‌های سنی و شیعی در جهت‌های متفاوتی در حرکت هستند. از یک سو، جناح کوچک‌تر و متحدتر شیعه برای تداوم آنچه رهبران آن به منزله برقراری دوباره توازن تاریخی و معوق قدرت فرقه‌ای در خاورمیانه ترسیم می‌کنند، بر پیروان خود تکیه کرده‌اند. در سوی دیگر، منافع متعارض و واگرا در داخل جناح اهل سنت، کارآمدی این جناح را محدود ساخته و به بازیگران شیعی امکان داده است تا تدریجاً از نفوذ آن بکاهند.

با وجود تأخیرهای طولانی در تحقق منافع و مزایای اقتصادی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، حسن روحانی که مجدداً به ریاست جمهوری ایران انتخاب شده است، عمل به وعده‌های اقتصادی خود را آغاز کرده و چند سرمایه‌گذاری مشترک بزرگ با شرکت‌های اروپایی به دست آورده است. افزایش تولید نفت و بخش رو به گسترش فن‌آوری تدریجاً خزانه‌های حکومت را پر کرده و به تهران توان مالی بیشتری برای حمایت از متحدان و شرکای آن در منطقه داده است. حزب‌الله که به خاطر عملکردش در کارزارهای خارجی خود تقویت شده است، در داخل محبوبیت فراوانی داشته و جایگاه قدرتمند خود را در پارلمان لبنان حفظ کرده است. حیدر العبادی به خاطر موفقیت‌های خود در بازپس‌گیری شمال عراق از دولت اسلامی عراق و شام (داعش) از حمایت قاطع اکثریت برخوردار است. موفقیت‌های او در مبارزه با فساد سیاسی، حفظ توافق تقسیم قدرت با کردها و بازسازی نواحی جنگ‌زده، اقتدار مرکزی بغداد را با وجود حکومت تحت سلطه احزاب شیعی، تقویت کرده است.

اتحاد نسبی و ثروت زیاد بازیگران شیعی در مقابل نابسامانی جناح سنی قرار می‌گیرد. عربستان سعودی بعد از بروز ناآرامی‌ها در داخل کشور که مجبور به اعزام دوباره نیروهای خود برای سرکوب تهدید در داخل خواهد شد، به عملیات‌های نظامی خود در یمن پایان می‌دهد. قرارگیری یمن در مدار نفوذ ایران، انسجام شورای همکاری خلیج فارس را تضعیف کرده و اظهارنظرهای نامحسوسی از جانب امارت متحده عربی به گوش می‌رسد که این اتفاق تقصیر ریاض است.

بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، کنترل تمام شهرهای عمده سوریه را دوباره در اختیار گرفته است، هرچند گروه‌های مقاومت کوچکی وجود دارند. در عین حال که سوریه روابط مطلوب خود با روسیه و ایران، دولت‌هایی که به باور اسد در شکست داعش و شورشیان مؤثر و راهگشا بودند، را حفظ می‌کند، اما پیروزی مشترک در سوریه چندان باعث تعمیق روابط با روسیه و ایران نشده است. حذف سوریه به عنوان محل بی‌وقفه منازعه در روابط عربستان سعودی با روسیه، امکان روابط نزدیک‌تر بین مسکو و ریاض را فراهم آورده است. روابط ایالات متحده با عربستان سعودی کماکان متزلزل بوده و ریاض به خاطر تلاش‌های واشنگتن برای کسب درآمد از اتحاد خود با این کشور و نیز گرفتن پول به خاطر استقرار نیروهایش، به ستوه آمده است. در این حین، رابطه ایالات متحده با امارات متحده عربی و قطر افزایش پیدا کرده و با تعمیق روابط نظامی تقویت شده است.

تأثیر نهایی این است که بازیگران شیعه به دنبال فرصت‌هایی برای گسترش نفوذ خود می‌گردند و در عین حال، بازیگران سنی در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند. این پویایی خود تقویت‌کننده بوده و مردم شیعی متوجه شده‌اند که منافع آنها از

رهگذر اتحاد ممکن و شدنی است و تعهد خود را نسبت به این اصل افزایش داده‌اند. یا اینکه، عقب‌نشینی جناح سنی به اتهامات متقابل و اختلافات رهبری بیشتر منتهی شده و بیش از پیش به شکاف‌ها دامن می‌زند.

سناریوی ۳: سیاست لبه پرتگاه [۲] موجب تنش‌زدایی می‌شود

مهمترین محرک‌ها: ماهیت گفتمان مذهبی؛ دولت‌های منطقه‌ای؛ بازیگران فرامنطقه‌ای

مشخصه این سناریو، تشدید منازعه مذهبی است که تا سر حد منازعه‌ای منطقه‌ای پیش می‌رود که عربستان سعودی و ایران را در تقابل نظامی مستقیم، پیش از اینکه نهایتاً از آن دور شود، قرار می‌دهد. ترس از پیامدهای متعاقب، باعث تلاش برای مهار نقاط اشتعال پیش از رسیدن به این سطح می‌شود.

سرمایه‌گذاری عربستان سعودی و ایران در جنگ نیابتی در چارچوب فرقه‌گرایی به نقطه اوج تازه‌ای رسیده است. این رقابت خصوصاً در سوریه و یمن مشهود است، چرا که هر دو طرف همچنان از طریق نیروهای تحت‌امر مختلف خود بر آتش منازعه دامن می‌زنند. ایالات متحده عمدتاً از تلاش‌های خود برای پیشگامی جهت حل و فصل منازعه دست کشیده و در عوض تصمیم گرفته است به جنگجویان فرصت دهد تا یکدیگر را از پا در بیاورند. روسیه پس از تضمین دسترسی دریایی خود به مدیترانه از طریق طرطوس، بر روی محور اروپا متمرکز شده و منازعات منطقه را به طرف‌های درگیر سپرده است.

تهران و ریاض با تأمین مالی اقلیت‌های فرقه‌ای در کشورهای یکدیگر، ایران با بازسازی حزب‌الله عربستان در استان شرقی و عربستان سعودی با تأمین مالی شورشیان بلوچ سنی در منطقه جنوب شرقی ایران، خطرات را بیش از پیش افزایش داده‌اند. این گروه‌ها خود را به نواحی مرزی محدود نکرده‌اند؛ در عوض، هر دو گروه با موفقیت توانسته‌اند مجموعه‌ای از حملات تروریستی در پایتخت‌های یکدیگر ترتیب دهند. عربستان سعودی و ایران با نیروهای نظامی تهاجمی در هوا و دریای خلیج فارس پاسخ یکدیگر را می‌دهند. در بحبوحه این تنش، یک جنگنده سعودی به اشتباه یک کشتی تجاری ایرانی بزرگ را غرق می‌کند و ایران با سرنگونی جنگنده پاسخ می‌دهد. این تقابل نیروهای نظامی، عوض اینکه به تشدید درگیری منتهی شود، هر دو طرف را با شوک، وارد یک دوره توقف عملیاتی می‌کند. این توقف، به یک تنش‌زدایی شکننده تعمیم پیدا می‌کند، زیرا تهران و ریاض به جای افزایش تنش‌ها به دنبال کاهش خطر منازعه گسترده مستقیم هستند.

در حالی که طرفین به دنبال راه‌هایی برای کاهش تنش می‌گردند، ریاض و تهران از ترس اینکه باعث اتفاقاتی شوند که خود این دو قدرت منطقه‌ای قادر به کنترل آن نباشند، کسانی که به دنبال برنامه‌های فرقه‌گرایانه هستند را مهار می‌کنند. دربار عربستان سعودی بی‌سر و صدا مشغول بازنشسته کردن علمایی می‌شود که خیابان‌ها را ملتهب کرده‌اند، در عین حال نیروهای بسیج ایران برای سرکوب تظاهرات‌ها علیه عربستان سعودی به کار گرفته می‌شوند. عموم مردم هنوز

کاملاً در جریان این تنش‌زدایی قرار نگرفته‌اند، اما هر دو دولت برای اجرای آن تمهیداتی اتخاذ می‌کنند.

این سناریو از این احتمال حکایت دارد که افزایش منازعه فرقه‌ای با هدایت دولتی، در عمل می‌تواند این بازیگران منطقه‌ای را پس از مواجه با چشم‌اندازهای بی‌ثباتی بیشتر، مجبور به عقب‌نشینی از لبه پرتگاه کند. این یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در راه طراحی مداخلات سیاستی است، زیرا یکی از تفسیرها این است که اوضاع قبل از بهبود، رو به وخامت خواهند گذاشت.

سناریوی ۴: منازعه قومی و آوارگی موجب خود-جداسازی [۳] می‌شود

مهمترین محرک‌ها: خودهمانی؛ بازیگران غیردولتی؛ روندهای منازعه

در این سناریو، خشونت فعال تحت لوای فرقه‌گرایی تنها به این دلیل فروکش کرده است که منازعه قومی و آوارگی موجب جدایی غیررسمی جوامع شده‌اند. همانند سناریوی ۳، تأثیر کلی بر فرقه‌گرایی کاهش تنش‌ها است، اما این جریان، جوامع را در معرض خطر فیزیکی قرار داده و مبتنی بر اجبار است و نه پذیرش.

با اینکه کارزار بین‌المللی تدریجاً داعش را به فعالیت پنهانی سوق داده است، این گروه در جریان شکست خود کارزاری خونین و ویرانگر به راه انداخت و وقایع بعد از آن کارآمدی پاکسازی هدفمند این گروه علیه اقلیت‌های شیعی را آشکار ساخت. این شکاف‌ها در عراق بیش از هر جای دیگری به چشم می‌خورند، جایی که کشتارهای قومی و آوارگی داخلی در عمل جوامع چندفرقه‌ای که پیشتر وجود داشتند را کاملاً از بین برده است. برای مثال، موصل تقریباً به شهری تماماً سنی‌نشین بدل شده است. گروه‌های شبه‌نظامی شیعه نیز از سنی‌ها انتقام گرفتند و به‌گونه‌ای آنها را از مرکز عراق راندند که سازمان ملل متحد آن را یک پاکسازی قومی توصیف کرد. وعده حکومت ائتلافی در عمل نافرجام ماند و کردها به منطقه خودمختار کردستان که اکنون کرکوک را نیز شامل می‌شود، عقب می‌نشینند و رهبران سنی به حال خود رها می‌شوند تا به طور غیررسمی بر غرب عراق حکمرانی کنند.

با اینکه ائتلاف تحت رهبری عربستان در نهایت توانست صنعا را از کنترل حوثی‌ها خارج کند، حکومت مرکزی تازه تأسیس و ضعیف یمن نتوانسته است کنترل حوثی‌ها بر شمال این کشور را به چالش بکشد و نیروهای حوثی همچنان کنترل شهر ساحلی الحدیده را در اختیار خود دارند. اکنون که دو طرف پی به مزایای حفظ اتمام جنگ برده‌اند، علی‌رغم وجود یک قطعنامه رسمی صلح، بعید است که در آینده‌ای نزدیک در وضعیت غیررسمی یمن تغییری ایجاد شود.

در سوریه، روند دستیابی به صلح منجر شده است که مناطق تحت کنترل [۴] یا مناطق امن به رسمیت شناخته شده، در میان حزب اتحاد دموکراتیک، رژیم اسد و مخالفان تقسیم شود (دابینز، گوردون، مارتینی، ۲۰۱۷). [۵] بعد از اعلام این مناطق، موجی از آوارگی داخلی باعث تحکیم بیش از پیش موقعیت کردها در نواحی تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک

می‌شود؛ اقلیت‌ها از جمله علوی‌ها، مسیحیان و دروزی‌ها در مناطق تحت کنترل رژیم اسد؛ و اعراب سنی در مناطق تحت کنترل مخالفان مستقر می‌شوند. شهرها و نواحی مرزی دارای ترکیبی از فرقه‌ها که در جوار یکدیگرند، بدل به محل کشتارهای قومی-فرقه‌ای می‌شوند. حتی در کشورهای بسیار کوچکی که کوچک‌تر از آن هستند که بخش‌بندی و تفکیک شوند نیز سنی‌ها و شیعیان به واسطهٔ محلات خود را جدا کرده‌اند، علی‌الخصوص منامه و شهر کویت به محله‌های کاملاً سنی‌نشین و کاملاً شیعه‌نشین تقسیم شده‌اند.

این مسأله تأثیری متقاطع بر روابط فرقه‌ای دارد. از یک سو، تعامل کمتر میان فرقه‌ها موجب کاهش منازعات روزمره می‌شود. در سوی دیگر، تفکیک جوامع باعث تشدید تبعیض شده و از منازعه‌ای در حال شکل‌گیری حکایت دارد که آرام آرام نمود و بروز پیدا می‌کند.

برای دریافت و مطالعه متن کامل گزارش موسسه رند() از لینک دانلود زیر استفاده کنید.

[۱]

جنبش بیروت شهر من، از جنبش‌های مشهور و قدرتمندی است که پس از بهار عرب شکل گرفت و در انتخابات اخیر شورای شهر بیروت، بیش از ۴۰ درصد آرا را از آن خود کرد. (م)

[۲]

استراتژی سوق دادن بحران به لبه پرتگاه جنگ است تا از این رهگذر حریف را به عقب‌نشینی از مواضع آن وادارد. توفیق در این استراتژی منوط بر آن است که کشوری که به آن تمسک می‌جوید، بی‌آنکه درگیر جنگ شود، به اهدافش دست یابد. (م)

- [۳]

[۴]

.(, , ۲۰۱۷) [۵]